



بهاء الدین خرمشامی

کیمیای فرهنگ کیمیا در «فرهنگ کیمیا»

شادرowan کریم امامی (شیراز ۱۳۰۹ - تهران ۱۳۸۴ ش) از فرهیختگان، فرهنگ پروران و فرهنگ‌نگاران برجسته و اثرگذار عصر جدید است، که بیش از نیم قرن از زندگانی پربر و برکت خود را وقف کوشش‌های علمی کرد.

دانشنامه دانش‌گستر او را چنین معرفی کرده است: «مترجم، فرهنگ‌نویس، ویراستار، کارشناس هنری و منتقد ایرانی، از پیش‌گامان نقد علمی در ایران و برندۀ لوح سپاس...». آنچه در این معرفی به آن اشاره نشده مدیریت نشر است. اگرچه در ادامه همان مقاله یک ستونی چنین آمده است:

... وی از ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۷ نویسنده و مترجم نشریه انگلیسی زبان کیهان‌نشنال و از ۱۳۴۷ نیز با عنوان سرویراستار همکاری خود را با انتشارات فرانکلین آغاز کرد که این همکاری تا ۱۳۵۴ ادامه یافت. از این سال نیز تا ۱۳۵۷ به عنوان مدیر عامل انتشارات سروش فعالیت کرد. اوردر سال ۱۳۶۰ انتشاراتی و کتاب‌فروشی سروش را به کار انداخت که به سبب حضور این مترجم و کتاب‌شناس و ویراستار صاحب‌نظر، این کتاب‌فروشی پاتوق دوستداران کتاب و اهل فرهنگ و نظرشد. او و همسرش گلی امامی برای نخستین بار در چند دهه اخیر، [نشر] و نشریه‌ای به نام «زمینه» را اداره کردند که به صورت دو هفتگی منتشر می‌شد و تا سال ۱۳۷۹ منتشر شد.

معرفی کتاب‌هایی که در این نشریه می‌آید، بسیار مختصر و مفید و روشن و روشنگر بود و گاه از طنز کمرنگ - و می‌دانید که: طنز کمرنگ بهترین طنز است. مادام‌العمر او نشانی در آنها بود. میانگین آن معرفی‌ها را می‌توان ۳ و حداقل چهار سطر (ستونی) دانست. ادامه این شیوه شیرین معرفی کتاب‌ها را در کتاب‌گزاری‌های شیوه‌ای دوست کتاب‌شناس و کتاب‌پژوه

بنابراین، باز می‌گردیم به سؤال اصلی و می‌پرسیم ترجمه چیست؟ همه همداستان اند که مترجم باید به زبان مبدأ، زبان مقصد و موضوع مسلط باشد. ولی با این بیان، ترجمه با حداقل نیازهای آن تعریف می‌شود، و کمتر کسی است که بجز در مورد پیام‌های کوتاه بارگانی یا صنعتی از خواندن ترجمه‌ای بر پایه این حداقل، خرسندي خاطری حاصل کند. اگر ترجمه صرف‌علم بود، قاعده‌ای بایست به همین تعریف اکتفا کنیم. بسیار پیش می‌آید که از خواندن ترجمه‌ای احساس می‌کنیم که چیزی در آن کم است و با متنی خشک و بی‌روح روبرو شده‌ایم و نمی‌توانیم با نویسنده، باصطلاح، ارتباط برقرار کنیم. پس ضروری است که نکته دیگری نیز به تعریف بیافرازیم و بگوییم: ترجمه انتقال پیامی از یک زبان به زبان دیگر است با حفظ روح متن اصلی و ایجاد تأثیری هم‌ارز در خواننده زبان مقصد. و اینجاست که پای هنر ترجمه به میان می‌آید، و می‌گوییم ترجمه باید علاوه بر صحت و امانت و سلامت، به روح و احساس متن اصلی وفادار بماند و آن را به خواننده زبان مقصد القا کند.

اما گذشته از اینها همه، در ترجمة متن‌های فلسفی و علوم اجتماعی، مشکل بزرگ دیگری نیز هست و آن معادل پایی برای واژگان تخصصی آن متن است. بی‌شک، خواندن اینگونه نوشه‌ها برای بسیاری از خوانندگان زبان مبدأ نیز آسان نیست، از حدود ۱۰۰ سال پیش هرچه جلوتر برویم، می‌بینیم هضم و جذب این متن‌ون برای خوانندگان غیر اهل فن دشوارتر می‌شود. جالب نظر اینکه نه تنها در فلسفه و علوم اجتماعية، بلکه در ادبیات و هنر نقاشی و مجسمه‌سازی نیز صدق می‌کند، و مردم عادی غالباً در می‌مانند که از فلان داستان یا شعر یا نقاشی چه معنایی باید درک کنند. خوشبختانه در نیم قرن اخیر، کوشش‌های بسیار در کشور ما در زمینه معادل پایی صورت گرفته است و می‌گیرد. بدیهی است در اینجا نیز مانند هر جای دیگر، هم اشخاص برخوردار از دانش و بصیرت و ذوق سلیم فعال بوده‌اند و هم مدعیان بی‌دانش و بی‌ذوق و خشک‌منز. شاید یکی از مهم‌ترین و سنجین‌ترین کارهایی که در حال حاضر بر عهده اهل ترجمه متنون فلسفی و علوم اجتماعية است، همین گزینش یا ابداع اصطلاحات باشد. من آرزو دارم که اهل فن همواره در همه شؤون، از جمله در این زمینه، کامیاب باشند. ^{۲۵}

دیگرمان آقای فرج امیرفریار در نشریه «جهان کتاب»، در نزدیک به دو دهه شاهد بوده‌ایم. ترجمه‌یکی دیگر از زمینه‌های کوشش و کار فرهنگی استاد امامی است، او، هم مترجم از انگلیسی به فارسی بود (گتسی بزرگ؛ با خشم به یادآر؛ انسان و فضا؛ ایرانیان در میان انگلیسی‌ها؛ ماجراهای شرلوک هلمز (۴ جلد)؛ هم از فارسی به انگلیسی (از جمله ترجمه جدیدی از رباعیات خیام، و منتخبی از اشعار سهراب سپهری و فروغ فرخزاد).

فرهنگ‌نگاری نیز از عمدت‌ترین زمینه‌های فعالیت فرهنگی او بود. گویا یکی از فرهنگ‌های بزرگ یا کوچک انگلیسی-فارسی روانشاد سلیمان حبیم را، ابتدا برای دست‌گرمی ویراسته باشد، سپس به فرهنگ‌نگاری فارسی-انگلیسی که کمتر کار شده، روی آورد که دو اثر از او در میان این گونه کم شماره از فرهنگ‌ها می‌درخشند. اول فرهنگ معاصر کیمیا (فارسی-انگلیسی). دوم که موضوع بحث اصلی در این مقاله است: فرهنگ معاصر کیمیا (فارسی-انگلیسی). نقد کتاب هم مانند معرفی کتاب‌های جدید‌الانتشار، از جمله کوشش‌های ارجمند او بود. و دیگر که اخیر است و آخر نیست: ترجمه‌پژوهی یا ترجمه‌کاوی بود.

در این باب کتاب دو جلدی پربرار و دیده‌گشای از پست و بلند ترجمه از مجموعه مقالات و مصاحبه‌ها و حتی کارگاه‌های ترجمه‌آموزی او فراهم و منتشر شده است که بنده در نگارش کتاب نسبتاً مفصل (۶۰۰ صفحه در قطع وزیری، نشر ناهید) در زمینه همه یا اغلب مسائل ترجمه از عربی/انگلیسی به فارسی که با عنوان ترجمه‌کاوی اخیراً منتشر شده، از آن کتاب بیش از هر کتاب دیگر سود بردام. و از دوست دانش‌ورم آقای عبدالحسین آذرگ و خانم امامی سپاسگزاریم که در جمع تدوین و اصلاح و تصحیح جلد دوم این کتاب (از پست و بلند ترجمه) کوشیده‌اند.

این سومین مقاله‌ای است که در دو دهه اخیر درباره استاد کریم امامی نوشته‌ام. اولی و دومی، هر دو در نگاه نو چاپ شد. اولی درباره از پست و بلند ترجمه بود، و دومی درباره فرهنگ کیمیا که قلام‌انداز و کوتاه و معروفی گونه بود، و در آن وعده داده بودم که در اولین فرصت نقد نظری شایسته درباره آن مرجع ارزشمند خواهم نگاشت.

خوانندگان اهل نظر می‌دانند که بنده هم در حد خود، کم یا بیش سایقه و ممارستی در فرهنگ‌نگاری دارم: (۱) فرهنگ موضوعی قرآن کریم (با همکاری استاد کامران فانی) که همین ایام چاپ ششم یا هفتم آن از سوی نشر ناهید منتشر می‌شود. (۲) ویراستاری فرهنگ اصطلاحات علوم و تمدن اسلامی (در ۲ جلد، یکی انگلیسی-فارسی، و دیگری فارسی-انگلیسی). این اثر به همت آقای محمدتقی اکبری و چهار نفر دیگر (از گروه ترجمه بنیاد پژوهش‌های اسلامی) تدوین شده و بنده آن را ویرایش کردم. (۳) ویراستاری فرهنگ



اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی تدوین خانم ماری بریجانیان، که ویراست جدید آن با افزایش واژه‌نامه‌های مبنا، که نزدیک به ۴۰۰ واژه‌نامه پایانی ترجمه‌های برتر در زمینه فلسفه و علوم اجتماعی و انسانی است، همین ایام (زمستان ۱۳۹۰) از سوی پژوهشگاه علوم انسانی انتشار یافته است. (۴) جمع و تدوین و ویرایش فرهنگ فرهنگ‌نگاری، که فرهنگی موضوعی (انگلیسی-فارسی) است در بیش از ۵۰ رشته از فیزیک و شیمی و منطق و ریاضی گرفته تا هنر و فلسفه (هم غربی، و هم اسلامی) و کلام تاریخی جدیدی به نام آینده‌پژوهی، تا یک کاسه کردن بیش از ۳۰ رشته مهندسی، تا علوم ورزشی، و دیگر بله اعام اجتماعی یعنی اعتماد که رشتة جدید اعتماد پژوهی به آن می‌پردازد و در هر رشته در حدود ۲۵۰ تا ۳۰۰ و ۴۰۰ واژه/ اصطلاح از صاحب‌نظران واژه‌پژوه - که غالباً با گروه واژه‌گزینی فرهنگ‌ستان زبان و ادب فارسی همکاری دارند - گرفته شده و جمماً ۱۶ هزار واژه/ اصطلاح است که موضوع به موضوع، در داخل هر موضوع: الفبایی، تنظیم شده با یک فهرست در هم آرایی شده الفبایی انگلیسی، و همتای آن فارسی در پایان، این اثر در حال حاضر در دست آماده‌سازی و حروف‌نگاری است امید دارم تا نمایشگاه بین‌المللی کتاب در اردبیله‌شیت ۱۳۹۱ ش. از سوی ناشرانش (نشر نگاه، نشر معین، و نشر شباوهنگ) انتشار یابد. (۵) تألیف فرهنگ انگلیسی فارسی نسبتاً مفصلی که از یک دهه و نیم پیش آغاز کرده‌ام و پس از وقفه‌ای ۷-۶ ساله، این بار با همکاری سه فرهنگ‌نگار صاحب‌نظر و صاحب تجربه (آقای دکتر سعید حسامی، خانم عاطفة قنبری، و خانم تینا حمیدی) با دقت و اندکی هم سرعت، به خیر و خوشی پیش می‌رود، و اگر ان شاء الله با زمان‌بندی پیش‌بینی شده انجام گیرد در کمتر از یک سال (از اکنون، زمستان ۱۳۹۰) که بیش از دو سوم آن تالیف و حروف‌نگاری شده تا حد اکثر اوایل زمستان ۱۳۹۱ آمده مرحله نهایی تولید، یعنی لیتوگرافی و چاپ خواهد شد. نام این فرهنگ، فرهنگ - دانشنامه کارا و در ۳ جلد - هر یک حدوداً هزار صفحه - با ۷-۶ فهرست و ضمیمه لازم و مفید خواهد بود.

اصولًا به واژه‌پژوهی و واژه‌نامه پژوهی تعلق خاطر بسیار دارم. کتاب از واژه تا فرهنگ که چاپ دوم آن نزدیک به انتشار است (نشر ناهید)، به همین گونه مباحث اختصاص دارد. همچنین چندین نقد و نظر بر فرهنگ‌های فارسی نوشته‌ام. نوشتۀ اخیرم در این زمینه، نقدی به فرهنگ هزاره تأثیر روانشاد دکتر علی محمد

حق‌شناس و دکتر حسین سامعی و خانم دکتر نرگس انتخابی است، که با مهر و ارادت بسیار و اعتقاد علمی به ارج و اعتبار این مرجع ماندگار و معتبر نوشته شده، و قرار است در یادنامه آن بزرگ‌مرد - به جمع و تدوین جناب عباس مخبر - درج گردد و اینک در پایان مرحله حروف‌نگاری است. درینکه نقد و نظر شاگردانهای که در این مقاله برای فرهنگ بی‌همتای فارسی - انگلیسی شادروان کریم امامی می‌نگارم، نه در جشن‌نامه و در زمان حیات، بلکه در یادنامه آن فرهنگ‌نگار و فرهنگ‌پژوه بزرگ، به جمع و تدوین آقای علیرضا اکبری معاون سردبیر نشریه تخصصی مترجم انتشار می‌یابد.

از خود گفتن را بر من ببخشید. شاید می‌خواهم بگویم که شاگرد آن بزرگان نیز در این زمینه‌ها فاقد سابقه و تجربه نیست و به اصطلاح، به نوعی درس پس می‌دهد؛ و طبعاً به شعر معروف: دیگران کاشتند و ما خوردیم / همه برزیگران یکدگریم، اعتقاد دارد.
اعتقاد علمی، و علاقه‌عاطفی که به استادانم علی‌محمد حق‌شناس و کریم امامی داشتم، و تازندهام خواهم داشت، امری پوشیده و پنهان نیست و از سطر به سطر آن و این مقاله آشکار است.

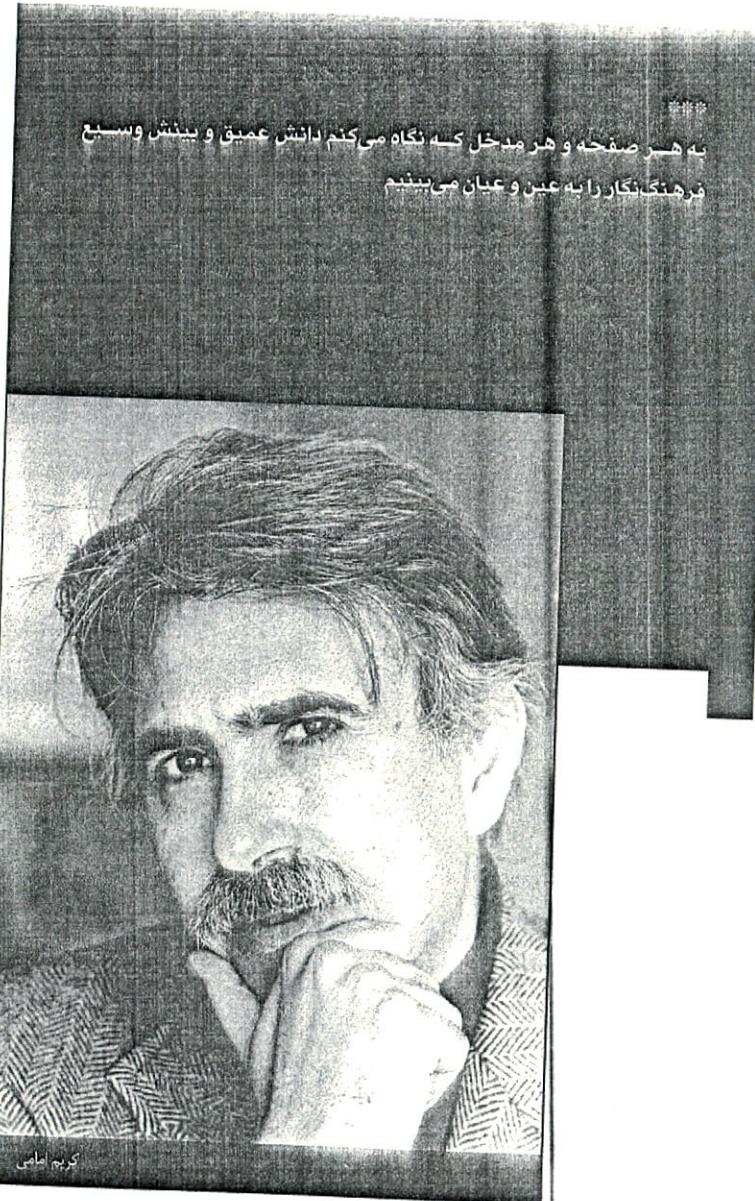
امتیازات فرهنگ کیمیا

یکی از مسائل مهم علمی و اخلاقی که در اغلب نقدها مسلم گرفته، یا معمول و ناقشه می‌ماند، بیان وجوده اهمیت و امتیازات اثری است که نقد می‌کنند. من نیز با آن که چهل سال سابقه و پرکاری و پُرنویسی در نقد کتاب دارم، در گذشته ایام دچار همین مسامحة مسلم انگاری امتیازات و ارزشمندی‌های آثار «منقوذ» گشته‌ام. اما در سال‌ها و کارهای اخیر، جبران مفات کرده‌ام. چنان که چندین و چند امتیاز مشیت و سراسری فرهنگ هزاره را در اوایل مقالمام آورده‌ام. و گرنه صرف برشمایر بی‌محابا و مدعیانه بعضی کمبودها و افتادگی‌ها و نقش‌ها و نارسایی - که در تاریخ کتاب و کتابت هیچ مرجعی در هیچ زمان و زبانی از آنها عاری نیست - نه علمی است، نه اخلاقی.

نقل است که مرحوم علامه محمد قزوینی، رحمة الله عليه، پس از دیدن ارج و عظمت جزوی اولیه لغتنامه دهخدا گفته بوده است که داشتن ده هزار فقره عیب و نقش در چنین اثر عظیمی معفو [بخشودنی] است. (نقل به مضمون).

یک شعر عربی معروف در مقدمه آثار بعضی از بزرگان قدیم درج می‌گردد که آوردن ترجمه آن مناسب مقام است:

روغن کنجد همه بینند صافی در درون شیشه‌هایش



غافلند از آسیا سنگی که سنگین بر سر کنجد فتاده
 ۱. اولین حسن فرهنگ کیمیا وضوح و شیوه‌ای و خوش‌دستی و کاربرپسندی آن است. با حروف نگاری چند فونتی/قلمی و چاپ دورنگ عالی‌اش، که از سوی نشر فرهنگ معاصر است.
 ۲. دوم به‌گزینی مدخل هاست، و به روز بودن آن، به نحوی که به ندرت تام ممکن است، به تعدادی لغت/مدخل عجیب و غریب و محجور برخوریم که از واژنامه‌های کهن برگرفته شده، و گویی آن گونه لغت‌ها مورد نیاز و گمشده کسی نیست. در دنیا این نکته، باید افزود که یک مقابله نیم ساعتی این فرهنگ با فرهنگ متین، ولی قهرآقدمی شده فارسی-انگلیسی شادروان سلیمان حییم، امروزه‌گرایی فرهنگ کیمیا، و از دور خارج شدن در صدی از واژگان (اعم از مدخل و معنی / معادل) فرهنگ عالی حییم را نشان می‌دهد. اگر این مقابله را با فرهنگ کهن‌تر استینگاس انجام دهیم، این درصد بسیار بیشتر است. در استینگاس بسیاری از ترکیب‌های ادبی و شعری و شعر گونه قدیمی و حتی باستانی دیده می‌شود. اما در دفاع از دو فرهنگ ارزشمند استینگاس و حییم می‌توان گفت آنها هم تابع زمان و زمانه و زمینه خود بوده‌اند. این سخن درست و این ایراد به بنده در این قول و قضاؤت وارد است. و من نمی‌توانم بدانم که زبان روز، و فرهنگ زمانه آن دو فرهنگ چگونه بوده است. و چیزی که در آن تردید ندارم ارج و اعتبار والای آن دو فرهنگ است که به احتمال بسیار، جزو اصلی ترین منابع مرحوم امامی در تألیف کیمیا بوده است. چیزی که به قاطعیت می‌توانم گفت این است که شادروان امامی نسبت به واژگان جاری و رایج فارسی و معادل یابی- و در مواردی تعریف به جای معادل دادن - تعلق خاطری بیش از کهن‌گرایی بی دلیل داشته است.

اما یک واقعیت، در حال حاضر مقابله کردن این دو فرهنگ هم-اندازه (هر دو جلد ۱۰۰۰ صفحه در قطع وزیری، و دوستونی) را برایم دشوار می‌سازد؛ و آن این است که فرهنگ یک جلدی فارسی-انگلیسی حییم را خاتم فاطمه مهرآذر عالمانه و سخت کوشانه ویراسته و روزآمد ساخته‌اند. مگر این که بتوان اصل ویرایش نشده (چاپ ۱۳۳۲ ش) این فرهنگ را از کتابخانه‌ها به دست آورد. اما با وجود این ویرایش همچنان درصد لغات قدیمی/ادبی و مهجور در فرهنگ حییم بالاست. و بنده سنت‌گراناید از آن نفی حکمت کنم.

اما اگر از نظر درج واژگان جدید، یا معنای جدید کلمات قدیم به کیمیا مراجعه کنیم، حساسیت زبانی مؤلف آشکار می‌گردد. به این مثال‌ها توجه فرمایید:

- نگارخانه

- پارانه

- پارانه‌ای

despot 2. a godless and arrogant

non-profit-making

non-profit

a private school

underprivileged

a member of the under class

blood-money

- طاغوت

- غیرانتفاعی (بریتانیابی)

(آمریکایی)

- مدرسه غیرانتفاعی

- مستضعف

- دیه

- محارب برای این مدخل دو معادل آورده‌اند. اولی به معنای جنگجوست

و برای دومی چون به واقع معادل انگلیسی و امروزین ندارند، این تعریف را به دست داده‌اند.

[Islam] sb who has taken up arms against an Islamic State

1. a monarchist 2. a royalist

این مثال‌های امی توان تاچهل و پنجاه نمونه از واژگان نو ساخته، یا واژگان کهن که معنای

جدید یافته‌اند ادامه داد. برای «تعزیر» و «ثارالله» که بسیار وابسته به فرهنگ‌اند، تعریف‌های

دقیقی داده شده، مخصوصاً «ثارالله» که به درستی به «خون خدا» ترجمه نشده (بنده مقاله‌ای

درباره «ثارالله» در دایرة المعارف تشیع نوشته‌ام). اما واژگان خیلی جدید مانند پول‌شویی

money laundry، یا اسلام‌هراسی Islamophobia در این اثر وارد نشده، زیرا در سال‌های

پس از تأثیف و طبع این فرهنگ ساخته شده‌اند.

۳. امتیاز سوم فرهنگ کیمیا در این است که برای اغلب (تا حد ممکن) ضربالمثل‌ها

معادل انگلیسی آنها را پیدا کرده و آورده‌اند. درصد اندکی هم که معادل نداشته، به ناگزیر

کوتاه و روشن ترجمه شده است.

بنده درباره ضرورت ترجمه یا معادل یابی ضربالمثل به ضربالمثل دو نوشته دارم.

یکی مقاله‌ای است به نام ضربالمثل‌های همسان در انگلیسی و فارسی که بیش از صد

ضربالمثل از هر یک از دو زبان آورده‌ام. دیگری بحثی است درباره چگونگی ترجمه [و بهتر

از آن: معادل یابی آن ضربالمثل‌ها که در کتاب جدید‌الانتشار ترجمه کاوی (نشر ناهید، ۱۳۹۰)

آمده است.

حال برای ملاحظه هنرمندی استاد کریم امامی در معادل یابی برای اغلب (و نه همه)

مثل‌ها، چند نمونه از آنها نقل می‌کیم:

absolutely nothing happened.

[البته این مورد، به ترجمه - و نه معادل یابی - بیشتر نزدیک است.]

یک) آب از آب تکان نخورد.

دو) شاهنامه آخرش خوش است.

سه) آش دهن سوزی نیست.

چهار) نخود هر آش بودن

پنج) دایه مهربان تر از مادر

شش) خنده بر هر درد بی درمان شفاست.

اینک، نمونه هایی از ضرب المثل ها، یا تعبیرات مثلی که ترجمه شده:

- خروس بی محل

cock / rooster that crows at the wrong time

- چیق کسی را کشیدن

to give sb a sound/ good beating

- علی بهانه گیر

a proverbial child who is never satisfied with what he is offered and always asks for sth else.

۴. امتیاز دیگر این فرهنگ در زمینه معادل، و گاه ترجمة اصطلاحات و تعبیرات محاوره‌ای و عامیانه و اصطلاحی است.

یک) سودای خام پختن

دو) دنداهش نرم

سه) پاچه گرفتن

چهار) زیر پای کسی نشستن

پنج) هر دو پای خود را در یک کفش کردن

۵. امتیاز دیگر دقت در به دست دادن معادل ها (ونه ترجمه به جای معادل آوردن، که درباره آن نیز صحبت خواهیم کرد، و این امر در هر گونه فرهنگ‌نویسی- در هر زبان، و زمان،

اعم از فرهنگ‌های خارجی - فارسی، یا فارسی - خارجی ناگزیر است).

یک) بمب صوتی

a percussion grenade

دو) در ذیل مدخل اصلی «بندی»، این سه نمونه دقیق آمده است:

making water - tight

- آب‌بندی

rationing

- جیره‌بندی

classification

- ردیه‌بندی

to scent / suspect sth

سه) بودن

sons of Adam, mankind, humankind

چهار) بنی‌آدم

a scholarship, a bursary

پنج) بورس تحصیلی (راتبه)

to award sb a scholarship

- بورس دادن

to win / receive a scholarship

- بورس گرفتن

the Stock Exchange

- بورس سهام و اوراق بهادار

No Honking!

شش) بوق زدن ممنوع!

suspicious (fig)

هفت) بودار

1. Paradise, 2. Heaven

هشت) بهشت [شاید کلمه دوم، با H (حروف بزرگ) دقیق تر باشد. و گرنه با h (حروف کوچک) به معنای آسمان هم هست].

avalanche

نه) بهمن

- بهمن گیر

1. [adj] avalanche-prone

2. [n] a structures built to deflect avalanche, an avalanche shelter

mediocre

ده) میان مایه

[به معنای متوسط الحال. گویا کلمه میان مایه در این معنا را واژه‌بیژوه و فرهنگ‌نگار

نامدار جناب داریوش آشوری پیشنهاد کرده باشد، که فی الواقع معادل شیوا و شفافی است.]

منابع موجود یعنی فرهنگ‌های فارسی (به فارسی) مهم، یعنی لغتنامه دهخدا، فرهنگ

فارسی (معین)، و جدیدتر از آنها فرهنگ بزرگ سخن (دکتر حسن انتوری) هیچ کدام

مدخل‌های میان مایه و میان مایگی را ندارند. اما فرهنگ هزاره (دکتر حق شناس و همکاران)

میان مایه رانه در برابر mediocre، بلکه در برابر mediocrity آورده است. فرهنگ پویا

(دکتر محمد رضا باطنی) به درستی آن را در برابر mediocre آورده است. فرهنگ خوب دیگر،

فرهنگ نشر نو (محمد رضا جعفری) با آن که هر دو مدخل او از اندیشه انجلیسی را دارد، معادل‌های

میان مایه و میان مایگی را ندارد و چون در سه فرهنگ فارسی نامبرده این مدخل‌ها نیامده، و

از سوی دیگر چون آقای آشوری آنها را در فرهنگ علوم انسانی اش (چاپ اول ۱۳۷۴) پیش از سه فرهنگ انگلیسی-فارسی پیش گفته آورده است، به احتمال بسیار این واژه‌ها را ایشان ساخته و الحق شفاف و شیوه است.

۶. آوردن تعریف‌های انگلیسی موجز در برابر بعضی کلمات که عمدتاً به خاطر تفاوت‌های فرهنگی، معادل بسیط یا مرکب انگلیسی ندارد. از جمله:

the act of penalizing sb for an offence / offense
For which there is no prescribed punishment in the Islamic love

a title given to Imam Hosein / Hussein
- ثار الله -

(the third Shiite Imam) after his martyrdom (ex tr. = He whose death will be avenged by God)

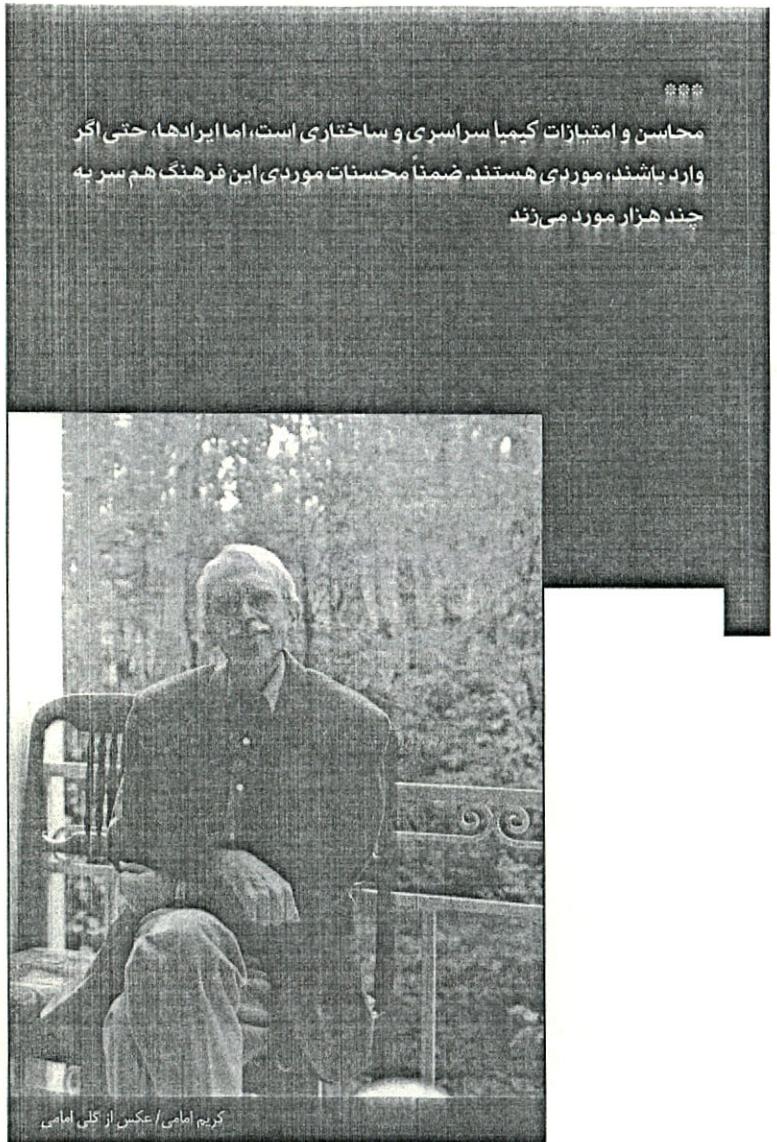
- چند مدخل / مثال دیگر را فقط نام می‌بریم: -بلغور کردن - پادان - مادر رضاعی -

مغلوب / مغلوبه - مزید به علت - متعه - حج.

- استخاره هم از همین واژه‌هایست که با ۱۸ کلمه (در یک جمله بلند) معنای آن به دست داده شده، اما اگر آن را کمابیش با «سر کتاب باز کردن» متراffد بگیریم یک معادل مهم و معروف دارد: bibliomancy که در فرهنگ کیمیا نیامده است. مدخل «سر کتاب باز کردن» چون تا حدودی مهجور است در کیمیا نیامده. در فرهنگ فارسی-انگلیسی حییم، هم استخاره وارد شده (با تعریفی کوتاه‌تر)، هم «سر کتاب» که ضرورت نداشت، اما ذیل آن «سر کتاب باز کردن» آمده. در این اثر تعریف «سر کتاب» در حدود ۱۰ کلمه است که در میان آن از bibliomancy هم استفاده شده. حال آن که همین تک کلمه برای همه این سه معادل فارسی/عربی کافی است، مگر آن که بگوییم برای دقت بیشتر افزودن کلمه قرآن یا قرآنی در جنب این کلمه انگلیسی ضرورت دارد.

حاصل آن که مثال‌های بیشتر را می‌توان در خود کیمیا ملاحظه کرد که اغلب رسماً روشن و روشنگر است.

۷. دیگر از امتیازات مهم و مفید کیمیا، توجه به collocation (همجایی یا هم-آیی کلمات با هم، یا ذکر حروف اضافه لازم، قبل یا بعد از یک کلمه) است. این مسئله، جدیدترین دستاوردهای فرهنگ‌نگاری انگلیسی (و شاید جهانی) است. و در فعل (active) سازی و آموختن دهی آن بسیار مؤثر است. ضرورت و فایده همجایی تابه حدی است که بخش فرهنگ‌نگاری و انتشارات دانشگاه آکسفورد فرهنگ مستقل collocation تدوین و طبع و منتشر کرده است.



کریم امامی/ عکس از کلی امامی

(small) change

paper money

cash, ready money

to shovel up money

Money does not grow on trees.

(ex tr. = Money is not beer grass)

نیز نگاه کنید به مدخل‌های آب، آزادی، بند، جنگ، روز، دوست. در ذیل بشقاب، هر دو معادل انگلیسی « بشقاب پرنده » آمده است.

a flying saucer, a UFO

و معادل برای چهارگونه بشقاب دیگر
۹. امتیاز دیگر که در این مقاله آخر است، اما در فرهنگ کیمیا هفت. هشت امتیاز دیگر از دیدگاه فرهنگ‌نگاری علمی عصر جدید می‌توان یافت. این امتیاز آوردن مثال‌های روشنگر است که به نحو میانگین در هر صفحه دو سوتونی، یکی آمده، و طبق عرف جهانی ایتالیک (و طبعاً فارسی آن‌ها ایرانیک) چاپ شده است.

پول علف خرس نیست [ضرب المثل]

- پول خرد

- پول کاغذی

- پول نقد

- پول پارو کردن

حتی یک اصطلاح عامیانه را هم آورده است:

اینک چند مثال شامل پدیده همجایی / هم - آیی:

- به جای آن که در مقابل پنجر فقط puncture باید، این گونه آمده است:
punctured, with a flat tire

to have a puncture, to have a flat tire
fixing a puncture, fixing a flat tire

- پنجر کردن

- پنجرگیری

حتی یک اصطلاح عامیانه را هم آورده است:

- حاجی پنجری

- تأخیر

- به تأخیر افتادن

[در اینجا به نظر می‌رسد که کلمه postpone هم خوب بود در مقابل تأخیر می‌آمد]
اما من عجله کرده و صفحه بعدی را ندیده‌ام که به دنبال منقولات بالا چنین آمده است:
to delay stb, to put off sth, to postpone sth

- به تأخیر انداختن

- امتیاز دیگر آوردن زیر مدخل‌های مناسب است. برای مثال:

1. history 2. a history book 3. date

(of a letter etc) undated

bearing today's date, dated today

the history of Europe

the history of Iran in ten volumes

the date according to the Gregorian calendar

ancient history

the date according to the Iranian solar calendar

the date according to Islamic lunar calendar

contemporary history, modern history

البته می‌توان چنین ارزیابی کرد که این زیر مدخل‌های مفید و کارگشا به نوعی همان

همجایی است که غالباً چنین است. یک مثال دیگر:

1. money 2. the price or cost of sth

an advance payment, a deposit

pocket money

tip, gratuity, baksheesh

- پول

- پول پیش

- پول توجیبی

- پول چای

اشارة به بعضی کمبودها

بنده از زمان انتشار چاپ اول این فرهنگ (در سال ۱۳۸۵) با آن انس گرفته‌ام، و دقت علمی و کاربست بهترین و جدیدترین شیوه‌های فرهنگ‌نگاری را در آن تصدیق و تحسین می‌کنم. اگر عیب و نقص‌هایی هم در آن باشد، دادن پیشنهادهای اصلاحی برای رفع آنها در حد بضاعت ناچیز من در زبان انگلیسی یا فرهنگ‌نگاری نیست. مراد اصلی ام از نگارش این مقاله، که به گمانم خوانندگان ملاحظه کرده‌اند، طرح مزایا و محاسن و به ویژه روزآمدی و روش‌مندی و مشکل‌گشایی این مرجع است. هیچ فرهنگی نیست، اعم از انگلیسی به فارسی یا فارسی به انگلیسی که مدخل‌ها یا معادل‌های کمبودی یا حتی نادرست، در هر چند صفحه‌اش پیدا نشود.

استقبال خوبی که در بازار کتاب و فرهنگ از این اثر شده، که در عرض ۵ سال به چاپ هفت‌م رسانیده است حاکی از درست و درمان بودن آن است.

نکات انتقادی و پیشنهادی که در اینجا می‌آورم برای تسهیل ویرایش احتمالی آن، یا نگارش یک استدارک دم پائزده صفحه‌ای در پایان آن به قلم استاد دکتر علی خزاعی فر، ویراستار کوشای همین فرهنگ است.

با شناختی که همه‌ما از دقت و حتی وسواوس و ریزبینی و نکته‌سنگی شادروان استاد

کریم امامی داریم، شک نداریم که اگر حیات طبیبه پربار و برکت او ادامه داشت، تاکنون، یعنی پس از چند چاپ اول، آن را پیراسته‌تر و ویراسته‌تر می‌کرد. درینگاه که حتی فرصت نگارش مقدمه دلخواه‌اش را نیافت، از یادداشت کوتاه همسر فریخته‌اش سرکار خانم گلی امامی - که امروز از بهترین مترجمان و اهل قلم کشور ماست - برمی‌آید که همین فرهنگ یک جلدی و اندکی کمتر از هزار صفحه‌ای، در حدود هفده سال زمان برده است. و چون اشاره شده که "هفت سال تمام، قسمت عمده و قش را، پشت کامپیوتو، صرف تکمیل آن کرده است" احتمال می‌توان داد که به جای دستنویس عادی، لوح فشرده نهایی به ناشر تحويل داده باشد. اینک نمونه‌هایی از کم و کاستی‌ها، بی‌آنکه پیشنهادهای اصلاحی خود را همواره و همه جا درست(تر) بدانم.

۱. بهنژادی. اسم (= اصلاح‌نژاد) به جای معادل، دارای تعریفی در یک سطر و نیم است. مراد از سطر در این مقاله سطر کوتاه یعنی یک سنتونی است. اما به نظر می‌رسد که این کلمه / اصطلاح، در انگلیسی معادل جا افتاده معروفی دارد: eugenics (که طبعاً پایانی آن هم اسم‌ساز است). بهتر است در این مورد و موارد، برای روش‌سازی بیشتر مسئله به فرهنگ‌های معتبر متداول رجوع کنیم.

- فرهنگ هزاره چنین مدخل و معادلی دارد: بهسازی نژادی eugenics
- فرهنگ پویا (۲ جلدی، اثر دکتر محمد رضا باطنی و دستیارانشان): به نژادی، به نژادشناسی eugenics .

- فرهنگ نشر نو (یک جلد، اثر محمد رضا جعفری) این مدخل را ندارد.

- دانشنامه دانش گستر، در برابر آن: بهسازی نژاد آورده است.

۲. کلمه euthanasia در اغلب فرهنگ‌های یک و دو زبانه وجود دارد. معنای لازم آن «آسان‌میری» و متعددی آن «آسان‌میرانی» [از میراندن، متعددی مردن است]. این کلمه نه فقط مهجور نیست. بلکه در دهه‌های اخیر در محافل پژوهشی و حتی حقوقی و روش‌نگرانه مشهور است. و به اصطلاح امروز «ادبیات» [منابع و متن] راجع به آن در رسانه‌ها بسیار است. مراد از آن قتل از روی ترحم است. یعنی از زجر و رنج رهاندن بیماران خاص که بیماری‌شان عذاب دهنده و فوق تحمل و طاقت بشری است که خود و در مواردی خویشان آنها از پزشک یا اولیای بیمارستان درخواست دارند که از روی بشر دوستی آنان را بکشند و در واقع از تحمل شکنجه بی حاصل، در شرایطی که علم پزشکی امروز از مداوای آنان ناتوان است، خلاص کنند. این کلمه با یک تورق، در ذیل مرگ، قتل، کشتن، آسان، و چند کلمه کلیدی دیگر، در فرهنگ کیمیا پیدا نشد. معادل این کلمه در فرهنگ هزاره چنین آمده است: کشتن از روی ترحم.

در فرهنگ پویا: ۱. به میرانی (از فعل قدیمی «میرانیدن») ۲. به کشی، آسان‌کشی، قتل ترحمی (= کشتن بیمار برای نجات او از درد و رنج). در فرهنگ نشر نو: قتل با / از روی ترحم، قتل ترحمی، قتل نجات‌بخش = [قتل بیماران لاعلاج به منظور پایان دادن به درد و رنج آنها] مطمئنم که خوانندگان فرهیخته این مقاله، این واژه انگلیسی را می‌شناسند. از سه فرهنگ معتبر و متداول هم نقل شد، تاهم معنای آن روشن‌تر شود، و هم ضمناً میزان رواج آن و از حساسیت و همت استاد امامی در درج واژگان جدید و مطرح، همه با خبریم، و نمونه‌های حاکی از آن هم در اوایل مقاله نقل شد.

۳. در برابر نشئه چند معادل و یک مثال آمده است. اما یک معادل جدی و معروف و اساسی، یعنی euphoria نیامده است. جای شگفتی است که در سه فرهنگ انگلیسی-فارسی (هزاره، پویا، و نشر نو) هم معادل‌های دیگر آمده، مگر نشئه. در فرهنگ فارسی-انگلیسی حییم، در مقابل «نشئه» چنین نوشته شده: صورت تحریف شده «نشوه»، که حق با اوست. و در برابر «نشوه» چندین معادل آمده، اما euphoria نیامده است.

۴. اتحادیه اروپا European Union در سه فرهنگ مشهورتری آمده، اما در کیمیا وارد نشده است. اما در برابر «یورو»، Euro آمده، و سپس یک تعریف، که در آن، ترکیب دو کلمه‌ای European Union به کار رفته است. پس چون اتحاد شوروی سابق آمده، می‌توان انتظار داشت که خوب بود اتحادیه اروپا هم وارد می‌شد.

۵. ترجمه در برابر این کلمه دو معادل مشهور rendering و translation و لیک معادل مهم دیگر یعنی interpretation نیامده. اگر بگوییم کلمه اخیر معادل تفسیر است، درست است. اما درست‌تر این است که: معادل تفسیر هم هست. اگر بگویید این کلمه معادل ترجمه شفاهی یا ترجمه همزمان است، در عین آن که حرف شما را تصدیق می‌کنم، می‌افزایم که ذیل «ترجمه» در فرهنگ کیمیا ۱۰ کلمه مربوط به ترجمه و معادل انگلیسی آنها آمده: ترجمه آزاد، ترجمه ادبی، ترجمه تحت اللطفی، ترجمه رسمی، ترجمه شعر [خوب بود در همین ردیف، ترجمه شعری / منظوم هم می‌آمد]. ترجمه شفاهی با این معادل [oral translation] که درست است، و اغلب interpretation در این معنا هم به کار می‌رود و درست در همین جاین کلمه در کیمیا به این صورت ظاهر شده [for sb interpreting], interpreting for sb، درست در همین کلمه در میران، حق الترجمه، دارالترجمه، و البته در برابر هر کدام معادل درست و دقیق انگلیسی هر یک آمده است. سه کلمه دیگر در ارتباط با ترجمه هست که چون کیمیا فرهنگی نسبتاً کم حجم است، نیامدن آنها در این فرهنگ، ناشی یا حاکی از کمبود آن نیست. یکی paraphrase (ترجمه عبارت به عبارت، ترجمه مخلص و دقیق تر از

جواب می‌دهم. در آن صورت لابد کاربرد زبان، جاناً و خانوادتاً هم روا می‌شود.
اما اعلت کاربرد نادرست ناجی به جای منجی این است که کاربران پیش خود قیاس
می‌کنند که نجات یعنی رهایی و اسم فاعل آن یعنی نجات دهنده، می‌شود ناجی، مثل قضا/
قاضی، حکی - یحکی / حاکی، آذی / آذی؛ کفی / یکفی / کافی.

این مثال‌ها درست است. اما قیاس با آنها نادرست است. زیرا آنچه به عنوان مثال نقل
شده، فعل متعدد است. و نجی / نجات / ناجی فعل و اسم فاعل لازم است. لذا همان‌گونه که
باقی یعنی بقا یافته، ناجی هم یعنی نجات یافته، رهیده / رهایی یافته، و نه رهایی دهنده یا
رهایی بخش.

و چون این قصه سر دراز دارد، و امروزه اهل زبان به دو دسته، یکی طرفدار صحت و اصالت
کاربرد عملی، و دیگری از جمله استاد ابوالحسن نجفی صاحب کتاب مشهور غلط نویسیم و
عده‌ای همنظر با ایشان و بنده طرفدار صحت دستوری، و به اصطلاح پیرایشگر هستند، باید
گفت: لکم دینکم ولی دین.

۷. **نامشروع.** در برابر این کلمه در کیمیا دو معادل آمده است: *unlawful* و *illicit* به نظر
می‌رسد جا داشت که معادل سوم و چهارم هم باید: *illegitimate*. چنان که در حییم بزرگ
یک جلدی [و نه در کوچکتری که همتا و همپای کیمیاست] در برابر این کلمه سوم، چند
معادل از جمله نامشروع آمده است. همین وضع در فرهنگ هزاره، فرهنگ پویا، و فرهنگ نشر
نو هم برقرار است. همچنین معادل *illegal* هم برای آن مناسب است.

۸. **مُتعه.** در مقابل این کلمه یک معادل و یک تعریف آمده که هر دو خوب است. اما
یک معادل عالی در زبان انگلیسی دارد، البته باید تفاوت فرهنگی را در نظر داشت. آن کلمه
concubine است که در فرهنگ اینکارتا در مقابل آن نوشته است: *official mistress*
کمابیش یعنی رفیقة رسمی. از سوی دیگر در فرهنگ هزاره، و حییم، به عنوان دومین معادل،
و در فرهنگ پویا، و فرهنگ نشر نو به عنوان اولین معادل در برابر *concubine*، متعه آمده
است.

۹. درونداد / برونداد. این دو کلمه نوساخته فارسی در برابر *input / output* انگلیسی
است. در کیمیا درونداد آمده، ولی حیف است که برونداد نیامده است.

۱۰. امر خیر. امر خیر در معنی اصطلاحی اش به عنوان ازدواج آمده، و بسیار عالی است، ولی
امر خیر فقط به معنای ازدواج نیست. معنای دیگر و شاید اصلی آن هم که به معنای کار خیر و
نیکوکاری است خوب بود می‌آمد. چنان که فی المثل سخنرانی که می‌خواهد برای تأسیس یا
اداره بهتر خانه سالم‌مندان، یا مهد کودک یا مسجد یا نظایر آنها اعانه جمع کند در پایان سخن اش

آنها: نقل به معنا). دیگر **mistranslation** : ترجمة نادرست / نامناسب / نادقيق؛ و سومی:
overtranslation : افراط / اطناب در ترجمه؛ ترجمة زیادتر / درازتر از متن اصلی به نحوی
غیردقیق. این کلمه فحوای منفی دارد. لذا به آن ترجمة تفسیری که فحوای مثبت دارد هم
نمی‌توان گفت. یعنی افزوده‌هایی دارد که در جهت بیان مراد مؤلف / صاحب متن نیست، بلکه
حاکی از برداشت‌های - غالباً بی اعتبار - مترجم است.

کلمه چهارمی هم در این زمینه به یاد می‌آید: ترجمه (نا) پذیری *(un) translatability* (un)
البته چنان که گفته شد نبودن این‌ها در فرهنگ کیمیا قابل انتظار است و ایرادی بر آن نیست.
ضمناً ناگفته نماند که استاد امامی، در برابر «مترجم»، و نیز زیر مدخل آن یعنی مترجم
شفاهی، کلمه *interpreter* را به کار برد است.

۶. **ناجی.** این غلط مشهور هم در کیمیا و هم در چند فرهنگ دیگر راه پیدا کرده است.
از جمله در هزاره در برابر کلمه انگلیسی *Saviour* که نجات دهنده، ناجی و منجی آمده.
این کلمه انگلیسی اگر با *S* بزرگ باشد لقب حضرت عیسی است. در فرهنگ پویا: نجات
دهنده، رهاننده، ناجی، و در فرهنگ نشر نو: ۱. رهاننده، نجات دهنده، منجی، ناجی ۲.

[عیسی مسیح آمده است. شادروان حییم که نسبت به غلط‌های مشهور توجه و
حساسیت داشت در فرهنگ بزرگ انگلیسی - فارسی اش (یک جلدی، با ویرایش بعدی) در
برابر *Saviour* چنین آورده است: رهاننده، نجات دهنده، ناجی، منجی. این فرهنگ چون بعداً
به دست دیگران ویرایش شده، ممکن است «ناجی» را ویراستار افزوده باشد. و گرنه در فرهنگ
کوچکتر فارسی- انگلیسی اش، هم معنای درست آن را آورده و هم نکته‌ای توضیحی و کوتاه
در جهت روشن‌سازی ذهن واژجو افزوده است، به این صورت: ناجی، one who escapes or

is saved و پس از آن دو تعریف در داخل پرانتز (منجی: *erroneously used for*).
مرحوم امامی به تلفظ‌های چندگانه - البته غالباً دوگانه - همواره تصريح دارد. مثلاً در برابر
«استوا» اول *استوا* و سپس *أَسْتَوْا* را بدون توضیح به دست داده؛ یا احیا را به درستی احیا (به
کسر اول) آورده است. و در مورد ناجی، *كلاً چنین می‌باییم*: [ناجی] اسم. جمع: سه‌ها، سه

ان (= نجات دهنده) a saviour, a rescuer]

در اینجا ممکن است دو ایراد بگیرند ۱) ناجی چه اشکالی دارد؟ ۲) اگر هم ایراد دارد چون
غلط مشهور است، کاربرد آن رواست. چنان که فی المثل همه ما می‌گوییم: «من به او مغلوب
مشکوک هستم». و هیچ کس نمی‌گوید «من به او ظلان / شاک هستم». پاسخ به این مسئله به
دیدگاه زبانی / زبانشناسی ما مربوط است. یکی از دوستان، لابد با قبول درستی کاربرد تنوین
بر روی کلمات فارسی و حتی فرنگی بر قاعدة تلفنا، یا تلگرافاً گفته بود: من به شما ای- می‌لَا

می‌گوید: از حاضران محترم انتظار داریم با کمال لطف و همت عالی شان در این امر خیر شرکت کنند. معادل انگلیسی آن را می‌توان charity یا philanthropy یا نیز واژه دیگر آورد.

۱۱. دونمونه بسیار نایاب از غلط چاپ. در کمتر فرهنگی، غلط علمی و چاپی این همه کمیاب است. تا اینجا و پس از گزیده خوانی دراز مدت این فرهنگ، فقط به دو مورد غلط

تاپی بخوردهام که در اینجاتی می‌کنم تا در تجدید چاپ بعدی برطرف شود؛ و کسانی هم

که چاپ اول تا هفتم را دارند آن را در نسخه خودشان اصلاح کنند.

۱) در مدخل پیشگفتار، در برابر آن چند معادل آمده، یکی از آنها به صورت forward

آمده، که درست نیست. صورت درستش foreword است. (۲) در مدخل نیهیلیستی معادل انگلیسی آن به صورت nihilistic آمده که پیداست حرفاً اول، به جای h (اچ) باید n (ان) باشد. این خردبینی را تعمیم ندهید. بنده به عنوان کسی که شاید در مجموع یک دور این فرهنگ کیمیا اثر را خوانده باشم، در واقع غیر از این دو مورد، یک وا، یا ویرگول که جایه جا شده باشد، در سراسر آن ندیده‌ام.

۱۲. در زیر - مدخل [= مدخل فرعی] «احضار»، احضار ارواح آمده است که به جای معادل، تعریف دقیقی برای آن عرضه شده است. می‌توان گفت Spiritualism یکی از بهترین معادلهای آن است. مؤید صحت آن این است که در هر سه فرهنگ انگلیسی-فارسی، که منابع مشورتی در نگارش این مقاله‌اند، در برابر این واژه انگلیسی، معادل احضار ارواح هم آمده است.

۱۳. بیگانه هراسی. این واژه نو ساخته فارسی در برابر xenophobia درست شده است. در فرهنگ کیمیا، این کلمه انگلیسی، یا مدخل بیگانه هراسی نیامده، با آن که امروزه در مقالات و مباحث سیاسی، کاربرد و بسامد بسیاری دارد. فقط در ذیل مدخل «خارجی»، زیر - مدخلی به صورت «حساسات ضد خارجی» (= بیگانه ستیزی) آمده است، که به این ترتیب بر جستگی اش از دست رفته است. ضمناً پسوند phobia همواره «هراسی» است، نه «ستیزی».

۱۴. خارج خواندن. اصطلاحی موسیقیابی است که به این هویت، در کیمیا تصریح شده، و معادل آن چنین آمده است:

To sing out of tune

اما به نظر می‌رسد، معادل فرهنگ هزاره درست‌تر، یعنی اصلاحی‌تر است:

نتی را خارج خواندن، فالش خواندن

۱۵. بازندهشی. در مقابل این مدخل معادل rethinking آمده که خوب و کاملاً درست است.

ولی غیر از همین تک معادل، می‌توان معادلهای دیگر هم آورداز جمله reflection یا revision

سخن آخر

از ظرفات و سنجیدگی و بهگزینی‌های این فرهنگ، در بخش اول این مقاله سخن گفتم و نمونه آوردم. به هر صفحه و هر مدخل که نگاه می‌کنم دانش عمیق و بینش وسیع فرهنگ‌نگار را به عین و عیان می‌بینیم.

درباره کمبود و نداشتن بعضی مدخل‌ها، یا بعضی معادلهای، از هر صفحه هر فرهنگ دو زبانه می‌توان نمونه‌های بسیار به دست داد. باید بیاموزیم که بیشتر از «نداشته‌ها»‌ی هر فرهنگ که یک ده هزارم «داشته»‌های آن است، از وجود موجودی‌هاراضی باشیم و بهره ببریم. در نقد و نظری که درباره فرهنگ هزار، چند ماه پیش نوشته‌ام، و در پادنامه روانشاد دکتر علی محمد حق‌شناس، زیر چاپ است، مشروحاً آورده‌ام که هر فرهنگی، با هر حجم، کم و کاستی دارد، حق فرهنگ عظیم بیست جلدی OED در قطع رحلی بزرگ سه ستونی، که با احتوا به بیش از پانصد و پنجاه هزار مدخل اصلی، بزرگترین فرهنگ زبان انگلیسی، و شاید بزرگترین فرهنگ علی الاطلاق است همین حکم را دارد، و بنده در طی سال‌ها کار کردن با آن چندین و چند واژه که قاعده‌ای باید می‌داشت در آن نیافته‌ام. یعنی نداشته است. و شنیده‌ام که در سال‌های اخیر مستدرکی برای آن تدوین کرده‌اند.

باری در یادداشت‌های انتقادی من صدها حسن و ددها ایراد درباره فرهنگ کیمیا یادداشت شده، اما اگر بیش از این مثال بیاورم حوصله خوانندگان سر خواهد رفت. این عزیزان توجه دارند که محاسن و امیازات کیمیا سراسری و ساختاری است، اما ایرادها، حتی اگر وارد باشند، موردی هستند. ضمناً محسنات موردي این فرهنگ هم سر به چند هزار مورد می‌زنند. قصد اصلی من از نگارش این مقاله، بر شمردن امیازاتش بود که آن را نمونه نمایان و عالی فرهنگ‌نگاری دو زبانه عصر جدید گردانده است. این همه ذوق و ظرافت زبانی و باریکبینی و توجه به زبان زنده، و زندگی زبان در کمتر فرهنگی دیده‌ام. اگرچه سه فرهنگ مشورتی در این کار، یعنی هزاره، پویا، و نشر نو هم هر یک آیتی در دقت و صحت واژه‌پژوهی و واژه‌نگاری درست و علمی‌اند. اینها ذخایر ارزشمند فرهنگی این روزگارند. و پس از گذشت دهه‌ها هم، به جای آن که کهنه شوند، به مانند فرهنگ‌های حییم، و استینگاس، کلاسیک و همچنان ماندگار خواهند شد. ☐